

بررسی نشانه‌شناسی سحر در قرآن کریم

حسین حسینی امین^۱

مرضیه مینایی پور^۲

محمد کرمی نیا^۳

چکیده

دانش نشانه‌شناسی از جمله دانش‌های نوین می‌باشد که موجب افزایش آگاهی انسان و توجه به اموری است که تاکنون از دیدگانش پنهان مانده‌اند. موضوع مورد بحث در این مقاله سحر (جادو) است که از کهن‌ترین پدیده‌های عوامانه شمرده می‌گردد و آثار آن در بسیاری از فرهنگ‌ها در سراسر جهان دیده می‌شود. سحر (جادو) را باید مجموعه‌ای از روش‌ها، باورها و اعمال دانست که به منظور کنترل اوضاع طبیعی برای رسیدن به اهدافی مشخص، توسط گروهی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و اسنادی واژه سحر را در قرآن در دو مفهوم متنی (در آیه‌های قرآن) و فرامتنی (سرگذشت پیامبران و تهمت زدن به پیامبران برای ادعای نبوت برای سحر و جادوگری آنان و انکار حقیقت و معاد) بررسی کرده است. از نشانه‌هایی که در آیات بررسی شده می‌توان دریافت کرد، این است که سحر، از رایج‌ترین نسبت‌هایی بود که مشرکان به پیامبر ﷺ می‌دادند. خداوند یکتا برای دعوت پیامبران دروغ نمی‌گوید و از سحر استفاده نمی‌کند، بلکه با صداقت، دلایل عقلی و حقیقی، مردم را به هدایت دعوت می‌نماید و انسان‌ها را از معاد آگاه می‌سازد. می‌توان از مجموعه آیات این گونه استنباط کرد که سحر نشانه‌ای برای تهمت زدن به پیامبران برای ادعای نبوت، انکار پیامبران و ندیدن معجزات آنان، انکار حقیقت، عدم پذیرش پند و نصیحت و انکار پروردگار و نشان دهنده سرگرمی به مسایلی بی‌ارزش است که انسان را از توجه به امور مهم و اصلی، مثل حساب و روز قیامت غافل می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن، پیامبران، دین، سحر، نشانه‌شناسی.

۱- استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان h.hosseiniamin@vru.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم m.minaeipour@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول karamnia.mohammad@yahoo.com

مقدمه

دانش نشانه‌شناسی از جمله دانش‌های نوین می‌باشد که موجب افزایش آگاهی انسان، و توجه به اموری است که تاکنون از دیدگان او پنهان مانده‌اند. نشانه‌شناسی دامنه‌ای بسیار وسیع از نظام‌های زبانی و غیرزبانی گوناگون را دربرمی‌گیرد و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. (عامری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۴) دانش نشانه‌شناسی که ریشه در آثار فلاسفه یونان، مانند افلاطون دارد، به‌عنوان یک دانش مستقل در قرن بیستم پدید آمد و از این جهت مشابه بسیاری از دانش‌ها، مانند هرمنوتیک، معرفت‌شناسی و جز آن‌ها است. این دانش دگرگونی‌هایی عمیق در زمینه‌های مختلف از جمله مطالعات دینی و متون مقدس به‌وجود آورده و به زمینه‌ای اجتناب‌ناپذیر در این نوع مطالعات تبدیل شده است. (قائم‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

با گسترش این علم و رواج مباحث زبان‌شناسی جدید، پدیده تعدد معانی متون مختلف، از جمله قرآن کریم از جذاب‌ترین زمینه‌های تحقیقاتی است که می‌تواند بابتی جدید فراروی عالمان دین و دریچه‌ای تازه برای فهم متون دینی بگشاید. (محققان، ۱۳۹۳: ۲۸) قرآن رهاورد ارتباط خدا با بشر است و در روند این پیوند، اطلاعاتی در اختیار بشر قرار می‌گیرد. این متن مقدس، معانی بسیار دارد و مفسر به دنبال کشف این اطلاعات و معانی است. (قمری و طاهری‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۸) نشانه‌شناختی، راهی پیش روی بشر برای راه‌یابی به حقایق قرآنی می‌باشد. قرآن مملو از نشانه‌هایی است که ارتباط میان خداوند و انسان را شکل می‌دهد. نشانه‌هایی که می‌توان نحوه کاربرد آن‌ها را دریافت و به فهمی فزون‌تر دست یازید. (محکی و کاشانی، ۱۳۹۱: ۲۰)

در این پژوهش نشانه‌شناسی به یکی از واژگان پرتکرار در قرآن، یعنی کلمه سحر را با بسامد ۶۴ بار، انتخاب کرده‌ایم؛ زیرا سحر و معادل‌های آن مانند جادو و طلسم در میان انسان‌ها به‌منظور توجه آن‌ها به دیگر موجودات هستی و تشریک آنان در کارگزاری عالم و نیز تجدید حیات جهان کاربرد داشته است. به هر رو، توسل به سحر و جادو به وسیله مردمان کهن، گونه‌ای جدال با طبیعت و واداشتن آن به تسلیم و در غیر این صورت گونه‌ای تعامل با آن بوده است. در گذشته انسان‌ها به آسانی تسلیم طبیعت نمی‌شدند؛ بلکه برای رام کردن آن به اجرای آیین‌های جادویی هم‌چون رقص و پایکوبی، برافروختن آتش، تقدیم قربانی و خواندن اوراد می‌پرداختند؛ زیرا به نظر آنان اجرای مراسم آیین جادو روشی برای وادار کردن طبیعت در راستای اجرای دستورهای انسان بوده است. (افشار و حسینی، ۱۳۹۶: ۱۰۶) هم‌چنین سحر یا جادو یکی از مقوله‌هایی است که برخی از علما و فلاسفه قدیم جهان اسلام در تحقیق‌های خود کم و بیش به آن پرداخته و در تألیف‌های خود شرح و توضیح‌هایی در چگونگی

نگرش به جادو و انواع راه‌های رسیدن به آن ارایه داده‌اند؛ از جمله ابن‌ندیم در الفهرست، فخرالدین رازی در تفسیر کبیر، ابن‌سینا در کتاب اشارات خود و نیز ابن‌خلدون در مقدمه تاریخ خود و برخی کتب دیگر بحثی را به سحر اختصاص داده‌اند. در بررسی آثار تاریخی سحر، کشف آثار گیاهان، نخستین عامل پیدایش جادو به نظر می‌رسد و در دورانی که بشر از شناخت واقعیت بیماری‌ها عاجز بود، اولین تلاش برای توجیه بیماری براساس مدرکات به شمار می‌رفت و مبنای درمان در تمام زمینه‌های پزشکی در ابتدا جادوگری و افسون بود که مخلوق فکر و چاره‌اندیشی بشر براساس اعتقادات او بوده است. (خلعتبری و رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

در موضوع این مقاله کاری مستقل انجام نگرفته است؛ اما مقالاتی با رویکرد نشانه‌شناسی در قرآن در گستره‌های گوناگون نگارش یافته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

- قمری و طاهری‌نیا (۱۳۹۶) در مقاله نشانه‌شناسی واژه النار در قرآن کریم که در فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی به چاپ رسیده است، بیان می‌کنند نشانه‌شناسی به عنوان یک روش تحلیلی جدید بین رشته‌ای، اولین بار توسط بزرگان این علم، سوسور و پیرس مطرح شد. نشانه‌شناسی یا سیمیولوژی متون ادبی، یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که به بررسی و تحلیل متون ادبی می‌پردازد و البته متن قرآن که سرآمد متون ادبی است؛ از این قاعده مستثنی نیست و به وسیله این روش پژوهشی می‌توان از طریق نمادها و نشانه‌ها به بررسی و تحلیل این متن پرداخت.

- عامری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله نشانه‌شناسی ادبی شخصیت فرعون در قرآن کریم که در فصلنامه علمی پژوهشی ادبی-قرآن به چاپ رسیده است، بر این باور هستند که نشانه‌شناسی ادبی شخصیت، شاخه‌ای از نشانه‌شناسی در حوزه زبان محسوب می‌شود، که با استفاده از آن می‌توان به آگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر از دلالت‌های شخصیت دست یافت. قرآن کریم به عنوان برجسته‌ترین متن ادبی، سرشار از نشانه‌های زبانی است، که یکی از این نشانه‌ها، شخصیت‌های بسیاری است که در این کتاب ارزشمند آسمانی به طور مستقیم ذکر شده‌اند.

- محقیان (۱۳۹۳) در مقاله نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی که در فصلنامه قرآن شناخت به چاپ رسیده است، می‌نویسد که قرآن به عنوان منبع بی‌کران معارف الهی، سطوح و لایه‌های متنوع عرضی و طولی دارد. پژوهش حاضر تلاشی است برای معرفی و

چگونگی استخراج این لایه ها در حوزه تخصصی دانش نشانه‌شناسی با معرفی نشانه‌شناسی لایه‌ای در مطالعات قرآنی. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ابعاد گوناگون معنایی نص قرآن کریم، در روابط درون متنی و بینامتنی و به واسطه تعدد لایه‌ها و سطوح مختلف دلالتی آن در دو محور عمودی و افقی حاصل می‌شود.

۱- محکی و کاشانی (۱۳۹۱) در مقاله نشانه‌شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم که در نشریه مدیریت فرهنگی به چاپ رسیده است، بیان می‌کنند «نشانه شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم»، یک پژوهش توصیفی و میان رشته‌ای است که در آن با استفاده از دانش نشانه شناسی، نمادهای بهشت در قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به موازات بهره گیری از ادبیات اسلامی در باب بلاغت و فصاحت کلام، الگوی «کارکردهای شش گانه زبان» رومن یا کوبسن، مبنای این بررسی بوده است.

۲- نجفیان و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم که در فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی به چاپ رسیده است، این گونه می‌نگارند دانش وجوه از شاخه‌های علوم قرآنی است که قرآن پژوهان در تاریخ تفسیر و پژوهش‌های قرآنی به آن توسل بسیار جسته‌اند. اصطلاح وجوه به کلمات چند معنایی اطلاق می‌شود که در قرآن به کار رفته‌اند. در این مقاله سعی شده است تا با رهیافتی نشانه شناختی وجوه متفاوت واژه «آیه» مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی نشانه‌شناسی کلمه سحر (جادو) و ابعاد آن در دو مفهوم متنی (آیه‌های قرآن) و فرامتنی (سرگذشت پیامبران و اتهام به ایشان به جهت تمسک به سحر برای ادعای نبوت و انکار حقیقت و معاد) و طبقه‌بندی آیات بر مبنای بافت موقعیتی در قرآن کریم می‌باشد.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. نشانه‌های سحر و شیوه‌های بهره‌برداری از استفاده آن از سوی کنکران پیامبران چگونه است؟
۲. آیا سحر در قرآن به معنای عامیانه (کشف آثار گیاهان، بیماری‌ها) است که افراد به آن باور دارند؟
۳. برای نشانه‌شناسی سحر در قرآن از چه شیوه‌های مفهومی و موقعیتی و بیانی استفاده شده است؟

۴-۱. روش پژوهش

در این پژوهش برآن شده‌ایم تا واژه «سحر» را که در قرآن کریم از واژه‌های بسیار مکرر می‌باشد از منظر نشانه‌شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. روش پژوهش در این مقاله همانند اکثر مقالات

علوم انسانی به صورت کیفی (توصیفی کتابخانه‌ای مبتنی بر تحلیل داده‌ها) می‌باشد. در این پژوهش ابتدا واژه سحر (و جادو) در لغت و اصطلاح تعریف شده و به جایگاه آن نزد افکار و اندیشه‌های مختلف پرداخته شده سپس جایگاه آن و مشتقاتش در قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. و با مطالعات از طریق دو شیوه مفهوم متنی و فرامتنی و سایر نشانه‌ها سعی بر آن شده تا لایه‌های پنهان معنایی واژه «سحر» آشکار شود.

۲. نشانه‌شناسی ۲۹۱

دانش نوین نشانه‌شناسی برای راهیابی به معنا، ابزارهایی نیرومند و ظرفیت‌هایی فراوان پیش روی پژوهشگران قرار داده است. (محکی و کاشانی، ۱۳۹۱: ۲۰) نشانه‌شناسی در کهن‌ترین روزگاران تفکر آدمی ریشه دارد و در هزارتوی تاریخ پر راز و رمز او پرورده شده است؛ هر چند از شکل‌گیری علم نشانه‌شناسی به معنای جدید آن بیش از یک سده نمی‌گذرد. بنیانگذار علم نشانه‌شناسی فردینان دو سوسور، زبان‌شناسی سوئیسی است. او نشانه‌شناسی را علمی معرفی می‌کند که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد. تقریباً همزمان با سوسور در آن سوی اقیانوس اطلس در آمریکا، منطق‌دانی به نام چارلز ساندرز پیرس، مطالعاتی بر روی نشانه‌شناسی انجام داد. (نجفیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۷) عرب‌ها هم برای بیان آن «علم العلامات» یا «العلاماتية» - سیموتیکا - را استفاده می‌کنند. از دیدگاه سوسور ساده‌ترین تعریفی که می‌توان برای نشانه در نظر گرفت عبارت از مجموعه دو گانه‌ای متشکل از یک مفهوم (مدلول) و یک صورت آوایی (دال) است. ترکیب این دو مجموعه به وجود آورنده نشانه است. از دیدگاه سوسور رابطه بین معنا و لفظ اختیاری است و هیچ رابطه منطقی میان آن‌ها وجود ندارد. پس از نظر وی یک نشانه تنها معادل یک چیز نیست. پس نشانه از دید سوسور کلیتی است که هم از یک معنا و هم از یک لفظ تشکیل شده است و رابطه‌ای قراردادی میان آن‌ها وجود دارد. یک واژه ملفوظ یا مکتوب لزوماً دال بر یک چیز خاص نیست؛ چرا که تنها دال یک صورت آوایی است که آن صورت آوایی نشانگر یک پدیده مشخص است. پس در مجموع نشانه در نزد وی در درجه اول یک عنصر ذهنی است. (نجفیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

بنابراین علم نشانه‌شناسی به این امر می‌پردازد که معنا و سیاق جمله ممکن است با هم تفاوت داشته باشند؛ یعنی ممکن است گوینده قصدش همان معانی نزدیک الفاظ باشد و یا این که نیت او معنای دور

1. Semiotics (En)
2. Semiology (Fr)

از ذهن نهفته در الفاظ باشد که هر کسی به آسانی آن معنا را در نمی‌یابد. (قمری و طاهری نیا ۱۳۹۶: ۱۷)

نشانه‌شناسی متن؛ یعنی تحلیل روابط میان نشانه‌های متن و مدلول‌های آن که در سطحی مختلف انجام می‌پذیرد، خواننده نه تنها نشانه‌های متن در رابطه با معلول‌هایش را بررسی می‌کند؛ کارهای معناشناختی و کاربردشناختی نیز انجام می‌دهد. او نخست معنای نشانه‌های متن را در سطح نظام جستجو می‌کند سپس به دنبال تعیین قصد گوینده و ارتباط آن‌ها با بافت‌های خاص متن برمی‌آید. عالم دینی نیز همین فعالیت‌ها را انجام می‌دهد و روابط کلمات با یکدیگر و مدلول‌هایشان را بررسی می‌کند و قواعد معناشناختی و کاربردشناختی را به کار می‌گیرد تا معانی آن‌ها را دریابد. (قمری و طاهری نیا ۱۳۹۶: ۱۷)

نشانه‌شناسی در قرآن که هر متن از تعدادی نشانه زبانی تشکیل شده؛ چنین است و خداوند متنی با این ویژگی به حضرت پیامبر ﷺ فرستاده است. (قائم‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۶)

۳. بررسی معنایی جادو و سحر در لغت و اصطلاح

جادو در فرهنگ فارسی به معنای افسون، سحر، شعبده، ساحر، افسونگر می‌باشد. امروزه به معنای سحر و افسون گفته می‌شود، ولی در اصل ساحر و افسونگر می‌باشد و ... (عمید، ۱۳۷۸: ۱/۶۶۴) سحر در لغت به معنای انجام کاری باطل است که به شکل حق درآمده که به آن خدعه نیز گفته می‌شود. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ج ۳/۱۳۸)

ابن منظور در لسان العرب در مورد سحر این چنین نوشته است: «سحر عبارت است از هر آن‌چه که مأخذ، منشأ و عامل آن طریف، مرموز، نامرئی و پنهانی باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲/۱۶۵)

سحر در لغت به معنای خدعه و نیرنگ، چشم بندی، اظهار باطل در چهره حق، برگرداندن چیزی از مسیر درست آن و هر چیزی که منشأ و سبب آن دقیق و لطیف باشد، آمده است. سحر هر کار لطیف و دقیقی است که اسباب عادی آن پنهان است سحر را سحر گفته اند چون از خودش منصرف شده است و سحر شدن یک شخص؛ یعنی پریشانی و مختل شدن عقل او. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۳۲۵)

در فرهنگ لاروس، سحر را افسون و جادو و هر امری که سبب و حقیقت آن دانسته نشود و جنبه نیرنگ و فریب داشته باشد، معرفی نموده است. (طیبیان، ۱۳۹۱: ۲/۵۴)

سحر هر کاری است که یاری شیطان در آن باشد و افسون است که چشم را محو خودش می‌کند و نیز بیان زیرکانه است و سحر، همان عمل جادو است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳/۱۳۵)

در مفردات راغب که مخصوص واژه‌های قرآن است، درباره این واژه، سه معنی را آورده است:

۱. خدعه و خیالات بدون حقیقت و واقعیت همانند شعبده و تردستی.

۲. جلب شیطان‌ها از راه‌هایی خاص و کمک گرفتن از آنان.

۳. معنای دیگری که بعضی پنداشته‌اند: ممکن است، با وسایلی ماهیت و شکل اشخاص و موجودات را تغییر داد، مثلاً انسان را به وسیله آن به صورت حیوانی در آورد، ولی این نوع خیال و پنداری بیش نیست و واقعیت ندارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۰ق: ۴۰۰/۱)

جادو یا سحر، مجموعه باورها، اعمال، فنون و روش‌هایی است که به کارگیری آن‌ها برای کنترل یا دگرگون کردن شرایط فراطبیعی و محیط زیست و رسیدن به مقاصد و اهداف نیک یا بد، موثر و سودمند پنداشته می‌شده است یا به عبارت دیگر جادو را باید مجموعه‌ای از روش‌ها، باورها و اعمال دانست که به منظور کنترل اوضاع طبیعی برای رسیدن به اهدافی مشخص (که می‌تواند خوب یا بد باشد)، توسط گروهی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. (پریزاد و صهبا، ۱۳۹۵: ۵)

در مکاسب به نقل از شهید اول در این باره آمده است:

«۱. سحر کلامی است که به زبان جاری کنند و اورادی که مفهوم نباشد؛ ۲. یا چیزی که بنویسند؛ ۳. یا نوشته‌ای که به همراه دارند؛ ۴. یا اورادی که بخوانند و بر ریسمانی بدمند و آن‌گاه گره بزنند؛ ۵. قسم بدهند (به موجوداتی مثل جن یا شیاطین یا ملک که فلان کار را برای ایشان انجام دهند)؛ ۶. یا بخور دهند (و دود بدهند)؛ ۷. یا بدمند؛ ۸. یا تصویر و مجسمه درست کنند (ساحر، تصویر یا مجسمه‌ای از شخص مسحور درست کند، سوزن در آن فرو برد یا با چاقو قسمتی از آن را ببرد که با این کار ضرری جسمی بر شخص مسحور وارد می‌کند)؛ ۹. یا با تصفیه نفس (ساحر با ریاضات غیرشرعی مثل اعمالی که مرتاض‌های هندی انجام می‌دهند) بتواند به صرف اراده کارهایی انجام دهند؛ ۱۰. یا با استخدام ملائکه یا اجنه یا شیاطین به کشف اشیای گم شده یا مسروقه و علاج امراض پیردازند و به وسیله آن‌ها در بدن یا قلب یا عقل مسحور تأثیر بگذارند.» (انصاری، ۱۴۱۰ق: ۳۶-۳۸)

۴. تفسیر و نشانه‌شناسی آیات مشتمل بر واژه سحر و مشتقات آن

کلیه ترجمه‌های در این پژوهش برگرفته از ترجمه الهی قمشه‌ای می‌باشد، بنابراین به دلیل بسامد تکرار آیات به منبع ترجمه ارجاع داده نمی‌شود. در آیه ۱۰۲ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِنَابِلٍ هَازُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَآئِرِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا

لَمَنْ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛ «و پیروی کردند سخنانی را که (دیوان و) شیاطین در ملک سلیمان (به افسون و جادوگری) می خواندند، و هرگز سلیمان (با به کار بردن سحر به خدا) کافر نگشت و لکن شیاطین کافر شدند که سحر به مردم می آموختند. و آن چه را که بر دو فرشته هاروت و ماروت در بابل نازل شده بود، پیروی کردند، در صورتی که آن دو ملک به هیچ کس چیزی نمی آموختند مگر آن که بدو می گفتند که کار ما فتنه و امتحان است، مبادا کافر شوی! اما مردم از آن دو ملک چیزی را که ما بین زن و شوهر جدایی افکند می آموختند، البته به کسی زیان نمی رسانیدند مگر آن که خدا بخواهد، و چیزی که می آموختند به خلق زیان می رسانید و سود نمی بخشید، و محققاً می دانستند که هر که چنین کند در عالم آخرت هرگز بهره ای نخواهد یافت، و آنان به بهای بدی خود را فروختند، اگر می دانستند.»

«... چنانچه از ظاهر آیه استفاده می شود شیاطین به مردم سحر می آموختند و مردم را به اعمالی که موجب تفرقه و ضرر و زیان آن‌ها بود وادار می نمودند و این که تعلیم یا به واسطه الهام شیاطین به اولیا و دوستانشان بود چنانچه در آیه دیگر می فرماید: «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ» (انعام/۱۲۱) و به واسطه نوشتن سحر و نیز نجات و پنهان نمودن آن در زیر تخت سلیمان و منتشر نمودن آن بعد از فوت سلیمان عليه السلام بود، چنانچه از خبر مروی از تفسیر عیاشی از حضرت باقر عليه السلام معلوم می گردد و روی این که اصل مردم بسیار گرفتار سحر و مضرات ناشیه از آن شدند و خداوند دو ملک را به صورت آدمی مصور نمود که راه ابطال و دفع سحر را به مردم بیاموزند و آن‌ها به مردم گفتند که ما برای امتحان و افتتان شما آمده ایم مبادا از این که علم سو استفاده نموده و بر ضرر یکدیگر به کار برید، ولی مردم از علم دفع سحر که به آنان تعلیم شد سوء استفاده نموده و به جای این که با آن دفع سحر کنند بر ضرر یکدیگر استعمال نمودند.» (طیب، ۱۳۷۸: ۱۲۷/۲)

در نهایت آن چه از روایات استفاده می شود آن است که حضرت سلیمان عليه السلام برای جلوگیری از انحراف یا سوء استفاده، دستور داد اوراق ساحران را جمع آوری و نگهداری کنند. ولی گروهی به آن نوشته ها دست یافته و مشغول تعلیم و اشاعه سحر در میان مردم شدند. آنان حتی معجزات حضرت سلیمان عليه السلام را سحر معرفی کرده و پیامبری او را منکر شدند. و برخی از بنی اسرائیل نیز به جای پیروی از تورات به سراغ سحر و جادو رفتند. این کار چنان شهرت و گسترش یافت که یهود زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز سلیمان عليه السلام را ساحری زبردست می دانستند و او را به عنوان پیامبر نمی شناختند. (قرائنی، ۱۳۸۳: ۱: ۱۷۱)

خداوند در قرآن در سوره مائده آیه ۱۱۰ می‌فرماید: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ «(ای پیغمبر، مردم را متذکر گردان) آن گاه که خدا گفت: ای عیسی مریم: به خاطر آرزوی نعمتی را که به تو و مادرت عطا کردم آن گاه که تو را به تأیید روح قدسی توانا ساختم که در گهواره و بزرگسالی با مردم سخن می‌گفتی، و آن گاه که تو را تعلیم کتاب و حکمت کردم و به تو علم تورات و انجیل آموختم، و هنگامی که از گل، شکل مرغی به امر من ساخته و در آن می‌دمیدی تا به امر من مرغی می‌گردید، و کور مادرزاد و پیس را به امر من شفا می‌دادی، و آن گاه که مردگان را به امر من (از قبر) بیرون می‌آوردی، و آن گاه که (دست ستم) بنی اسرائیل را از سر تو کوتاه کردم وقتی که تو با معجزات روشن بر (هدایت) آن‌ها آمدی و کافران بنی اسرائیل گفتند که این‌ها جز سحری آشکار نیست.» در تفسیر این آیه آمده، از این آیه تا آخر سوره، درباره حضرت عیسی علیه السلام و معجزات او است. در این آیه، انواع لطف الهی و در آغاز همه، تأیید به روح القدس درباره حضرت مسیح علیه السلام بیان شده است. (قرائتی، همان: ۳۹۳/۲) «شفای کور و زنده نمودن مردگان و غیره از دیدگاه عام جادویی و سحری روشن؛ یعنی بر هیچ کس مخفی نیست که این سحر است. و حال آن‌که بین سحر و معجزه تفاوت بسیار باشد: ۱- سحر نمود است، لکن معجزه بود و حقیقت ثابت‌ه دارد؛ ۲- سحر با اسباب و آلات ظاهر گردد، و معجزه بدون اسباب و ادوات محقق شود؛ ۳- معجزه از مدعی نبوت است در نزد خواستن معجزه، و لکن سحر را هر وقت که ساحر بخواهد می‌کند؛ ۴- معجزه به محض اراده نبی یا ولی هویدا گردد، اما سحر به خلاف این است.» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۹۶: ۲۰۳/۳)

خداوند در قرآن در سوره انعام آیه ۷ می‌فرماید: «وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ «و اگر ما کتابی بر تو فرستیم در کاغذی که آن را به دست خود لمس کنند، باز کافران گویند: این نیست مگر سحری آشکار. در تفسیر این آیه آمده است گروهی از مشرکان می‌گفتند: ما در صورتی ایمان می‌آوریم که نوشته‌ای بر کاغذ، همراه با فرشته‌ای بر ما نازل کنی. ولی دروغ می‌گفتند و در پی بهانه جویی بودند.» «قِرْطَاسٍ» در این آیه چیزی است که بر روی آن بنویسند، چه کاغذ، چه چوب، یا پوست و سنگ، ولی امروز به کاغذ گفته می‌شود. که این معجزه را مشرکین سحر دانسته‌اند. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۱۶/۲)

خداوند در قرآن در سوره اعراف آیه ۱۱۶ می‌فرماید: «قَالَ اَلْقُوا فَلَمَّا اَلْقَوْا سَحَرُوا اَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ»؛ «موسی گفت: شما اول اسباب خود بیفکنید. چون بساط خود انداختند به جادوگری چشم خلق بر بستند و مردم را سخت به هراس افکندند، و سحری بس عظیم و هول انگیز برانگیختند.» در آیه ۱۲۰ می‌فرماید: «وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ»؛ «و ساحران بی‌اختیار به سجده افتادند.» در آیه ۱۳۲ می‌فرماید: «وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِنَسْحَرَنَّ بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ»؛ «و گفتند: هر آیه و معجزه‌ای که برای ما بیاوری که ما را بدان سحر کنی هرگز ما به تو ایمان نخواهیم آورد.»

در تفسیر آیات سوره اعراف که اشاره به معجزه حضرت موسی علیه السلام دارند و (پس از فراخوانی) ساحران نزد فرعون آمدند، (و) گفتند: اگر ما پیروز شویم، آیا برای ما پاداشی هست؟ فرعون گفت: آری! و (علاوه بر آن)، شما از مقربان (درگاه من) خواهید بود. جادوگران گفتند: ای موسی! آیا (نخست تو وسیله سحر را) می‌افکنی و یا ما افکننده (به وسیله جادوی خود) باشیم؟ سپس جادوگران سحری آوردند که به ظاهر مانند معجزه حضرت موسی علیه السلام بود و با افکندن بر زمین، نمایان می‌شد. در راه شناخت، نباید تنها به حواس ظاهری تکیه کرد، چون گاهی چشم هم افسون می‌شود و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تصرف جادوی ساحران در چشم مردم است، نه واقعیت، مثل سراب که آب به نظر می‌آید. «سَحَرُوا اَعْيُنَ النَّاسِ» آری، انبیا با بصیرت مردم کار دارند، و ساحران با بصر مردم. برای کوبیدن هر حقی، از وسایل مشابه آن استفاده می‌شود، مذهب علیه مذهب و روحانی نما علیه روحانی. این‌جا هم جادو بر ضد معجزه به کار گرفته شد. با پیروزی حضرت موسی علیه السلام، ضربه‌ای سخت بر نظام فرعون‌ی وارد شد، اما مهم‌تر آن که ساحران یک‌جا به موسی علیه السلام ایمان آوردند و حیثیت فرعون از درون فرو ریخت. از این که به حضرت موسی علیه السلام می‌گفتند: هر گونه آیه‌ای بیاوری، معلوم می‌شود که دشمن نیز می‌داند که کار موسی علیه السلام جادو نیست، بلکه معجزه‌ای الهی است، ولی از روی لجاجت و تکبر ایمان نمی‌آوردند، فقط ساحران هنگامی که فهمیدند کار موسی علیه السلام سحر نیست، بدون لجاجت ایمان آوردند. البته شاید آیه نامیدن کار حضرت موسی علیه السلام از سوی فرعونیان، از روی استهزا و مسخره بوده است. (همان: ۱۳۷/۳-۱۵۳)

خداوند در قرآن در سوره هود آیه ۷ می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتِ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ»؛ «و اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین را در فاصله شش روز آفرید و عرش با عظمت او (شاید یک معنای عرش که روح و حقیقت انسان است این‌جا مراد باشد) بر آب قرار داشت (شاید

مراد از آب علم باشد) تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است. و محققاً اگر به این مردم بگویی که پس از مرگ زنده خواهید شد، همانا کافران خواهند گفت که این سخن را هرگز حقیقتی جز سحر آشکار نیست.» در تفسیر این آیه گفته شده سحر [در راستای] انکار کافران برای معاد آمده است که دنیای بعد مرگ ساختگی و حيله است و مراد از سحر باطل است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۹۶: ۲۶/۶)

خداوند در قرآن در سوره انبیاء آیه ۳ می‌فرماید: «لَا هَيْبَةَ قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ»؛ «دل‌هاشان به لهُ و بازچه دنیا متوجه است؛ و مردم ستمکار پنهان و آهسته با یکدیگر می‌گویند: آیا این شخص جز آن است که بشری مانند شماست؟ چرا شما که مردمی بصیر و دانا هستید سحر او را می‌پذیرید؟» در تفسیر این آیه، سحر نشان دهنده سرگرمی به مسایل بی‌ارزش است و انسان را از توجه به مسایل اصلی، مثل حساب و قیامت غافل می‌سازد. مخالفان انبیا، در پنهان توطئه می‌کنند و معجزات را سحر و جادو می‌شمرند، تا دل از خدا غافل شود، انسان، آیات الهی را به بازی نمی‌گیرد. کفار با پوشاندن حقایق، نسبت به خود و دیگران ظلم می‌کنند. تهمت ستمگران به انبیا نشانه آن است که مکتب انبیا ظلم ستیز است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۲۳/۵)

خداوند در قرآن در سوره مومنون آیه ۸۹ می‌فرماید: «سَيَقُولُونَ لِيَلَهُ قُلٌّ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ»؛ «محققاً خواهند گفت که این‌ها همه از خداست. بگو: پس چرا به فریب و فسون مفتون می‌شوید؟ (و از خدا غافل می‌گردید؟)» در این آیه خداوند بیان می‌کند ما در دعوت پیامبران برای اسلام و پروردگار از سحر استفاده نمی‌کنیم و در این جایگاه سحر نشانه عدم دروغ می‌باشد.

خداوند در قرآن در سوره نمل آیه ۱۳ می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ «اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آن‌ها ارایه شد، گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است.» «نشانه سحر در این آیه این می‌باشد که تمام کفار و مشرکین از زمان نوح عليه السلام و قبل از نوح عليه السلام و بعد از نوح عليه السلام الی زمان خاتم النبیین صلى الله عليه وآله وسلم موقعی که مشاهده می‌کردند معجزات انبیا را و می‌دیدند از عهده آن‌ها خارج است، مثل آن‌ها را بیاورند و اگر تصدیق آن‌ها را بکنند، آن‌ها دعوت می‌کنند آن‌ها را که به وظایف دینی عمل کنند و اطاعت اوامر آن‌ها را کنند و منتهی شوند از مناهای الهیه و این‌که بر خلاف هواهای نفسانیه آن‌ها است و عادات آن‌ها ناچار در مقابل انبیا به اعذار متلبس می‌شدند، معجزات را حمل به سحر می‌کردند، انبیا را ساحر و مجنون و مفتیری می‌گفتند و از ترس این‌که مبادا جمعی که بی‌غرض هستند به آن‌ها بگروند و ایمان آورند در مقام اذیت آن‌ها برمی‌آمدند

یا آن‌ها را می‌کشتند یا اخراج بلد می‌کردند یا حبس می‌کردند یا سنگسار می‌کردند.» (طیب، ۱۳۷۸: ۱۱۶/۱۰)

خداوند در فرازی دیگر از آیات قرآن می‌گوید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا يَبِينَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آيَاتِنَا الْأُولَىٰ» (قصص/۳۶)؛ «چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.» و در آیه ۴۸ ادامه می‌دهد: «فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْلَمَ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ»؛ «پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آن‌ها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه این‌ها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم.» **سحر در آیات سوره قصص نشانه تهمت به پیامبر است.**

خداوند در سوره سبا آیه ۴۳ می‌فرماید: «وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَبِينَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ «و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود، گویند: این شخص جز آن که مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آن که خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آن‌ها آمد گفتند که این کتاب جز آن که سحری آشکار است چیز دیگری نیست.» **در این آیه سحر نشانه انکار حقیقت است.**

خداوند در سوره صافات آیه ۱۵ می‌فرماید: «وَقَالُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ «و گویند: این خود پیداست که سحری بیش نیست.» در این آیه، سحر زمانی است که نخواهند اندرز داده شوند و پند بگیرند. خداوند در آیه ۳۰ سوره زخرف می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ»؛ «و چون حق به سوی آن‌ها آمد گفتند: این (قرآن) سحر است و ما به (وحی بودن) آن ایمان نداریم.» در نتیجه سحر نشانه خروج از جهالت است. خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَبِينَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (احقاف/۷)؛ «و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم

تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحری آشکار است.» در نتیجه تکذیب کردن معجزه می‌باشد. و در آیه ۱۵ سوره طور می‌گوید: «أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ»؛ «آیا این (آتش دوزخ) هم به نظر تان سحر است یا آن که هنوز چشم بصیرت باز نمی‌کنید؟» در نتیجه مشرکان، همواره به پیامبر تهمت می‌زدند که کار او سحر و جادو است، او عقل ما را می‌رباید و بر چشمان ما پرده‌ای می‌افکند تا اموری را به نام معجزه و وحی به ما معرفی کند، در حالی که این‌ها همه بی‌اساس است؛ لذا روز قیامت از روی سرزنش و توبیخ به آنان گفته می‌شود: آیا این هم سحر و جادو است؟ آیا آتش را نمی‌بینید و حرارت آن را لمس نمی‌کنید؟ در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» (قمر/۲)؛ «و اگر کافران، بزرگ آیت و معجزی (چون شکافتن ماه) هم ببینند باز اعراض کرده و گویند که این سحری نیرومند و کامل است.» در نتیجه باز اشاره به معاد دارد. و در آیه ۶ سوره صف می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ «و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.» در آیه به خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ اشاره دارد که با معجزه کامل و کتاب قرآن برای هدایت مردم فرستاده شده است، ولی افسوس که کافران پند نمی‌گیرند. در آیه ۲۴ سوره مدثر می‌فرماید: «فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ»؛ «و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.» در نتیجه تهمت به کتاب مقدس قرآن زده شده که چیزی جز سحر نمی‌باشد.

در مورد آیات مربوط به ساحر اشاره به حضرت موسی دارد که اشراف و اطرافیان فرعون این حضرت را سحری ماهر می‌دانند و کافران انبیا را جادوگرانی آشکار می‌دانند. خداوند در آیه ۱۰۹ سوره اعراف می‌فرماید: «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ»؛ «مهمتران قوم فرعون گفتند که این شخص سحری سخت ماهر و داناست.» در آیه ۱۱۲ ادامه می‌دهد: «يَأْتُونَكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ»؛ «تا ساحران زبردست دانا را به حضور تو جمع آورند.» و در سوره یونس آیه ۲ می‌گوید: «أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ»؛ «آیا مردم تعجب کردند از این که ما یکی از افراد آن‌ها را به وحی و رسالت خود برگزیدیم (و

گفتیم) که خلق را (از عذاب قیامت) بترسان و مؤمنان را بشارت ده که به راستی مقامشان نزد خدا رفیع است! کافران گفتند: این شخص ساحری آشکار است.» در آیه ۷۷ می‌فرماید: «قَالَ مُوسَىٰ أُنْقُلُونِ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ»؛ «موسی به آنان گفت: آیا به آیات حق که برای شما آمد نسبت سحر می‌دهید؟ آیا این سحر است و حال آن که ساحران را هرگز فلاح و فیروزی نخواهد بود؟!» و رویداد را در آیه ۷۹ پی می‌گیرد: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ»؛ «و فرعون (به اتباعش) گفت: هر کجا ساحری ماهر و داناست همه را نزد من حاضر کنید.» خداوند در آیه ۶۹ سوره طه می‌فرماید: «وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى»؛ «و اینک عصایی که در دست داری بیفکن تا (اژدها شود و یکباره) بساط سحر و ساحری اینان را فرو بلعد که کار اینان حیله‌ی ساحری بیش نیست و ساحر هر جا رود (و هر چه کند) هرگز فلاح و فیروزی نخواهد یافت.» در آیه ۶۳ می‌فرماید: «قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى»؛ «فرعونیان گفتند: این دو تن (موسی و هارون) دو ساحرنند که می‌خواهند به سحرانگیزی خود، شما مردم را از سرزمین خود بیرون کنند و طریقه‌ی نیکوی شما را (که اطاعت فرعون است) از میان ببرند.» خداوند در آیه ۳۴ سوره شعراء می‌گوید: «قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ»؛ «فرعون رو به درباریانش کرد و گفت: این مرد ساحری بسیار ماهر و داناست.» و در آیه ۴ سوره ص می‌فرماید: «وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ»؛ «و (مشركان مکه) تعجب کردند که رسولی از همان نژاد عرب برای تذکر و پند آنان آمد، و آن کافران گفتند: او ساحری دروغگوست.» و در سوره غافر آیه ۲۴ می‌فرماید: «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ»؛ «به سوی فرعون و هامان و قارون، آن‌ها گفتند: او ساحر بسیار دروغگویی است.» و در این آیه می‌فرماید: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ» (زخرف/۴۹)؛ «و گفتند: ای ساحر بزرگ، تو از خدای خود چون تعهدی با تو دارد (که دعایت مستجاب کند) بخواه (تا عذاب از ما بردارد) و ما به این شرط البته هدایت می‌شویم.» و در سوره ذاریات آیه ۳۹ می‌فرماید: «فَتَسَوَّلَىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ»؛ «و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.» و در آیه ۵۲ همین سوره می‌گوید: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ»؛ «هم‌چنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آن‌که (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.»

در مورد کلمه مُسْحَر در این آیه می‌فرماید: «قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ» (شعراء/۱۵۳)؛ «قوم صالح گفتند: به یقین تو را سحر کرده‌اند (که دعوی نبوت می‌کنی).» و در آیه ۱۸۵ همین سوره می‌گوید: «قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ»؛ «قوم شعیب در پاسخ او گفتند: تو را بی‌شک به سحر و شعبده مفتون کرده‌اند.» اشاره به دعوت نبوت می‌باشد که به تهمت سحر نامیده شده است.

در مورد کلمه مسحور خداوند در آیه ۱۰۱ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَأَسْأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا»؛ «و همانا ما به موسی نه آیت روشن و معجز آشکار عطا کردیم، این حکایت را از بنی اسرائیل سؤال کن که موسی بر آن‌ها آمد، پس فرعون به او گفت: ای موسی، من تو را سحرزده (یا ساحر و سحر آموز) می‌پندارم.» در آیه ۴۷ همین سوره می‌گوید: «نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا»؛ «ما به خیالات باطلی که وقت شنیدن گفتار تو در دل خود می‌کنند (از خود آنها) آگاه‌تریم و آن‌گاه که به رازگویی می‌پردازند و آن مردم ستمکار گویند که شما جز شخصی مفتون و سحرزده را پیروی نمی‌کنید.»

تفسیر آیه ۱۰۱ سوره اسراء که در مورد داستان حضرت موسی عليه السلام می‌باشد و فرعون به او می‌گوید من تو را سحرزده می‌دانم و معجزات این پیامبر را جزء سحر می‌داند و نمی‌پندارد که خداوند با دادن معجزات به پیامبران، به مردم اتمام حجت می‌کند و از پیامبران خود پشتیبانی می‌کند. در همین سوره، کلمه مسحور در آیه ۴۷ در مورد قرآن خواندن پیامبر عليه السلام است که ستمکاران آن را سحر می‌پندارند و در تفسیر نور آمده است که دشمنان، چون توجه مردم را به رهبران الهی می‌بینند، با تهمت و دروغ به آنان ضربه می‌زنند. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۷۱/۵) خداوند در آیه ۸ سوره فرقان می‌فرماید: «أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنُزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا»؛ «یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.» از این رو درباره پیامبر عليه السلام است که دشمنان حضرت به پیروانش می‌گویند که شما از مردی ساحر پیروی می‌کنید. مخالفان انبیا، گاهی آنان را ساحر نامیدند و گاهی مسحور و در تفسیر اثنی عشری «مسحور» به معنای «ساحر» است؛ یعنی پیروی می‌کنید مردی ساحر را که شما را به سحر فریب دهد. خداوند در این می‌فرماید: «لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ» (حجر/۱۵)؛ «باز هم خواهند گفت: چشمان ما را فرو بسته‌اند، بلکه در ما سحر و جادویی به کار برده‌اند.» با این نتیجه‌گیری که کلمه جادو شدگان

بیان می‌کند حضرت محمد ﷺ جادو کرده و کفار سحر شده‌اند. اگر دری از درهای آسمان بگشاییم و همیشه ملائکه بر آن بالا روند و پایین آیند و کفار آن را بر وجه معاینه مشاهده کنند، گویند چشم‌های ما را بسته و خیره ساخته‌اند و ما سحر شده‌ایم. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۲: ۹۰/۷)

۵. بررسی رویکردهای گوناگون مرتبط با نشانه‌شناسی سحر در آیات تفسیر شده

۱-۵. چستی سحر

در این که آیا سحر واقعیت دارد یا جزو خرافات می‌باشد، بین علمای اسلام، به خصوص علمای شیعه و سنی اختلاف نظر وجود دارد. بیش تر علمای شیعه سحر را صرف خرافات می‌دانند و به این آیه قرآن استدلال می‌کنند که «فَإِذَا جَاءَهُمْ وَ عَصِيئُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» (طه: ۶۶) یا آیه «فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ» (اعراف/۱۱۶)؛ اما از بین اهل سنت بعضی‌ها عقیده دارند که سحر واقعی است. (نرگسی، ۱۳۸۹: ۴)

همان طور که در بررسی آیات مشاهده شد جادو و سحر وجود دارد و از لحاظ نگاه ظاهری به این واژه از مجموع آن‌چه در قرآن به کار رفته، می‌توان استفاده کرد که سحر بر دو گونه است:

۱. سحری که مقصود از آن فریفتن و تردستی و شعبده بازی و چشم‌بندی است و حقیقتی ندارد، چنان که می‌خوانیم: «پس ناگهان ریسمان‌ها و چوبه دست‌هایشان (جادوگران زمان موسی ﷺ) بر اثر سحرشان در خیال او چنین می‌نمود که آن‌ها به شتاب می‌خزند (طه/۶۶) که مصداق حقیقی سحر نیز همین سحرالعیون است.» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲۳۱/۱)

۲. سحری که واقعاً اثرگذار است؛ مثل این که باعث جدایی زن و شوهر و یا مریض شدن انسان و جز آن می‌شود، در قرآن می‌خوانیم «آنها مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند ... آن‌ها قسمت‌هایی را فرامی‌گرفتند که برای آنان زیان داشت و نفعی به آن‌ها نمی‌رساند» (بقره/۱۰۲). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۸/۱)

۵-۲. شیوه‌های کاربرد واژه سحر در قرآن: بسامد، وجوه کاربردی، طبقه‌بندی موضوعی و انواع

سوره‌ها

در عربی کلمه سحر و مشتقات آن ۶۴ مرتبه در قرآن آمده و از لحاظ وجوه کاربردی هم به صورت مفرد و جمع به کار رفته است. از جهت طبقه‌بندی موضوعی کلمه سحر که راجع به سرگذشت پیامبران خدا: موسی، عیسی و پیامبر اسلام ﷺ است. از ۱۱۴ سوره قرآن در سوره‌های بقره، مائده، انعام،

یونس، هود، طه، انبیا، مومنون، شعراء، نمل، قصص، سبا، صافات، ص، غافر، زخرف، احقاف، طور، قمر، ذاریات، صف و مدثر و در مجموع در ۲۲ سوره آمده است. بیش‌تر تکرار این کلمه در سوره‌های طه و شعرا و دشوارترین مفهوم آن در سوره بقره آیه ۱۰۲ آمده است. در آیات بررسی شده رابطه همنشینی کلمه سحر میان عناصر موجود در آیات وجود دارند.

۳-۵. نشانه‌شناسی متن در قرآن

هدف از نشانه‌شناسی متن قرآن، تلاش برای بهبود بخشیدن به درک کلام خداوند در سایه تفکرات جدید است. از دیدگاه هرمنوتیکی این امر بسیار معنادار است که قرآن به عنوان وحی الهی در بردارنده نشانه‌ها می‌باشد و همزمان، مؤمنان را آگاهی می‌دهد که جهان طبیعت، خود انسان و رخدادهای تاریخی نیز حاوی نشانه‌هایی از وجود خداوند هستند.

۴-۵. مفهوم متنی و فرامتنی واژه سحر

واژه سحر در قرآن در دو مفهوم متنی (در آیه‌های قرآن) و فرامتنی (سرگذشت پیامبران و تهمت زدن به پیامبران برای ادعای نبوت بر پایه سحر و جادوگری آنان و انکار حقیقت و معاد) به کار رفته است. در بیش‌تر موارد کلمه سحر در دو مفهوم متنی و فرامتنی به صورت مفرد آمده است. در مفهوم متنی سحر، خداوند در آیات قرآن بارها به نبوت انبیا و معجزات آنان اشاره کرده است. که در این آیات خود نشانه و دال بر وحدانیت و قدرت و عظمت خداوند هستند. و در بحث فرامتنی تکه بر سرگذشت پیامبران و رخدادهای تاریخی آنان و جهان طبیعت دارد که می‌توان گفت از این لحاظ آیات آفاقی را شامل می‌شود. نشانه‌هایی که دلالتی آشکار بر واقعیت فرامادی است.

۵-۵. بافت موقعیتی واژه سحر

در طبقه‌بندی آیات بر مبنای بافت موقعیتی^۱ (مکی و مدنی بودن) آن، کلمه سحر در ۴ سوره مدنی و در ۲۲ سوره مکی آمده است. از لحاظ بسامد و فراوانی، واژه سحر ۴ بار در سوره‌های مدنی و ۶۰ آیه در سوره‌های مکی آمده است. با توجه به این آمار، بسامد در سوره‌های مکی بیش‌تر است که می‌تواند معنادار باشد. ویژگی‌های سوره مکی که در مطالعه نجفیان و همکاران آمده از این قرار می‌باشند:

۱. دعوت به اصول عقاید از جمله ایمان به خالق یکتا و ایمان به قیامت، و تصویرهایی از اوضاع روز حساب و اهل بهشت و اهل دوزخ؛
۲. دعوت به فضایل اخلاقی و تمسک به اعمال نیک؛

۳. مجادله با مشرکان و ابطال عقاید آنها و نسبت سفاقت به تصورات باطل آنان؛
۴. کثرت سوگند به خدا، روز آخرت، قرآن و مانند این‌ها؛
۵. کاربرد فراوان در خطاب به «یا ایها الناس» و کم‌تر به «یا ایها الذین آمنوا»؛
۶. قصص انبیا و امت‌های پیشین و نیز قصه انبیا؛
۷. کوتاه بودن آیات و سوره‌ها به‌طور کلی.

در اصطلاح قرآن پژوهان و مفسران، بافت غیرزبانی (موقعیت) در قرآن، شأن نزول یا اسباب نزول نام دارد. شأن نزول موجب فهم دقیق معانی قرآن می‌شود و شیوه‌ای بسیار استوار در فهم معانی قرآن است و تفسیر آیه بدون آگاهی از آن ممکن نیست. اساساً آیات مکی و مدنی در قرآن بیانگر همین بافت غیرزبانی است. بدیهی است که مضمون سوره‌ها و آیات از جهت نزول، با حوادث و وقایع و نیازمندی‌های گوناگون ارتباط کامل دارد که در طول دعوت پیامبر تحقق یافته است. (نجفیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۰) همان‌طور که از این ویژگی‌ها برمی‌آید و در تفسیر آیات کلمه سحر در عنوان ۵ آورده شده است.

۵-۶. تحلیل موضوعی واژه سحر

از لحاظ تحلیل موضوعی کلمه سحر در دو سوره مکی شعراء و طه بیش‌ترین تکرار را دارد که به شکل مفرد ظاهر شده است. در هر دو سوره اشاره به داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و معجزات آن است که همه ساحران با دیدن معجزه او تغییر فکر و عقیده دادند. بنابراین سحر، حقیقت اشیا را تغییر نمی‌دهد، بلکه نموده‌ها را دگرگون می‌سازد و در ادارک انسان اثر می‌گذارد.

در تفسیر المیزان هدف از سوره طه تذکر و یادآوری از راه انذار است، که آیات انذار آن بر آیات تبشیرش غلبه دارد، و این غلبه به خوبی به چشم می‌خورد، داستان‌هایی را ذکر می‌کند که به هلاکت طاغیان و تکذیب کنندگان آیات خدا منتهی می‌شود، و حجت‌های روشنی را متضمن است که عقل هر کس را ملزم به اعتراف به توحید خدای تعالی، و اجابت دعوت حق می‌کند، و به یادآوری آینده انسان از احوال قیامت و مواقف آن و حال نکبت بار مجرمین، و خسران ظالمین منتهی می‌گردد. این آیات- به طوری که از سیاقش بر می‌آید- با نوعی تسلیت از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شروع می‌شود، تا جان شریف خود را در واداشتن مردم به قبول دعوتش به تعب نیندازد؛ زیرا قرآن نازل نشده برای این که آن جناب خود را به زحمت بیندازد، بلکه آن تنزیلی الهی است که مردم را به خدا و آیات او تذکر می‌دهد تا شاید بیدار شوند و غریزه خشیت آنان هوشیار گردد، آن‌گاه متذکر شده به وی ایمان بیاورند و تقوی

پیشه کنند، پس او غیر از تبلیغ وظیفه‌ای دیگر ندارد، اگر مردم به ترس آمدند و متذکر شدند که هیچ، و گر نه یا عذاب استیصال و خانمان برانداز منقرضشان می‌کند، و یا این که به سوی خدای خود برگشت نموده در آن عالم به وبال ظلم و فسق خود می‌رسند، و اعمال خود را بدون کم و زیاد می‌یابند، و به هر حال نمی‌توانند با طغیان و تکذیب خود خدای را عاجز سازند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۱۴)

هدف از سوره شعرا، تسلیت خاطر رسول خدا ﷺ است از این که قومش او را و قرآن نازل بر او را تکذیب کرده بودند و او آزرده شده بود و همین معنا از اولین آیه آن که می‌فرماید: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» بر می‌آید. آری کفار قریش یک بار او را مجنون خواندند، بار دیگر شاعر، و این آیات علاوه بر تسلیت خاطر آن جناب، مشرکین را به سرنوشت اقوام گذشته تهدید می‌کند و به این منظور چند داستان از اقوام انبیای گذشته؛ یعنی موسی و ابراهیم و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهم‌السلام و سرنوشتی که با آن روبرو شدند و کیفری که در برابر تکذیب خود دیدند نقل کرده است تا آن جناب از تکذیب قوم خود دل سرد و غمناک نگردد و نیز قوم آن جناب از شنیدن سرگذشت اقوام گذشته عبرت بگیرند. (همان، ۳۴۷/۱۵)

همه این رویکردها در زنجیره‌ای به هم پیوسته به نشانه‌شناسی واژه سحر در قرآن یاری می‌رسانند.

نتیجه‌گیری

برای پاسخ به پرسش‌های این پژوهش می‌توان این نتایج را به‌طور اجمالی برشمرد:

۱. واژه جادو در فارسی به معنای سحر و جادوگری است. جادو یا سحر، مجموعه باورها، اعمال، فنون و روش‌هایی است که به کارگیری آن‌ها برای کنترل یا دگرگون کردن شرایط فراطبیعی و محیط زیست و رسیدن به مقاصد و اهداف نیک یا بد، موثر و سودمند پنداشته می‌شده است؛
۲. در مجموع ۶۴ آیه در قرآن درباره سحر یافت می‌شود. از ۱۱۴ سوره قرآن این کلمه در سوره‌های بقره، آل عمران، مائده، انعام، یونس، هود، حجر، اسراء، طه، انبیاء، مومنون، فرقان، شعراء، نمل، قصص، سبا، صافات، ص، غافر، زخرف، احقاف، طور، قمر، ذاریات، صف و مدثر و در مجموع در ۲۶ سوره آمده که نشان دهنده اهمیت آن است؛
۳. واژه سحر در قرآن در دو مفهوم متنی (در آیه‌های قرآن) و فرامتنی (سرگذشت پیامبران و تهمت زدن به پیامبران برای ادعای نبوت بر پایه سحر و جادوگری آنان و انکار حقیقت و معاد) به کار رفته است. در بیش‌تر موارد کلمه سحر در مفهوم متنی و فرامتنی به صورت مفرد آمده است. در طبقه‌بندی آیات بر مبنای بافت موقعیتی (مکی و مدنی بودن) آن، کلمه سحر در ۴ سوره مدنی و در ۲۲ سوره مکی آمده است. از لحاظ بسامد واژه، سحر در ۴ آیه در سوره‌های مدنی و در ۶۰ آیه در سوره‌های مکی آمده است. با توجه به این آمار، بسامد در سوره‌های مکی فزون‌تر است که می‌تواند معنادار باشد؛
۴. از نشانه‌هایی که در آیات بررسی شده، می‌توان دریافت که نسبت سحر، از رایج‌ترین نسبت‌هایی بود که مشرکان به پیامبر ﷺ می‌دادند. خداوند برای دعوت پیامبران به خداوند یکتا دروغ نمی‌گوید و از سحر استفاده نمی‌کند، بلکه با صداقت و دلایل عقلی مردم را دعوت می‌کند و انسان‌ها را از معاد آگاه می‌سازد. سحر با معجزه به این دلایل متفاوت است: ۱- سحر نمود است، لکن معجزه بود و حقیقت ثابت‌ه دارد؛ ۲- سحر با اسباب و آلات ظاهر گردد، و معجزه بدون اسباب و ادوات محقق می‌شود؛ ۳- معجزه از سوی مدعی نبوت به هنگام خواستن معجزه است، ولی سحر را هر گاه که ساحر بخواهد، انجام می‌دهد؛ ۴- معجزه به محض اراده نبی یا ولی هویدا می‌گردد؛ اما سحر بر خلاف آن است؛
۵. از نشانه‌های کلمه سحر با تأکید می‌توان گفت که برای این کلمه وجود دارد، می‌توان پی برد که سحر وجود داشته و فقط برای معنای عام آن که امروزه می‌شناسند و به منظور انجام کارهای بیهوده مانند برهم زدن ارتباط بین افراد، باز کردن بخت و اقبال و غیره از آن استفاده نمی‌شده است، بلکه به شیوه

پارادوکسیکال و تقابل معنایی نشانه‌ راه نجات انسان‌ها و دروغ نگفتن برای هدایت مردم و صداقت انبیا به شمار می‌رود، ولی در کردار و گفتار جاهلان آن دوره می‌توان سحر را نشانه‌ای برای تهمت زدن به پیامبران برای ادعای نبوت، عدم انکار پیامبران، ندیدن معجزات پیامبران، انکار حقیقت، عدم پند و نصیحت و انکار پروردگار برشمرد. هم‌چنین سحر می‌تواند اشاره به همه‌ مخاطبان اعم از کافران و مشرکانی که این معجزات را می‌بینند، ولی پند نمی‌گیرند، باشد. نتیجه بررسی آیات در گستره کاربرد این واژه و مشتقات آن بیانگر این نکته است که نحوه گفتگو با مخالفان را از قرآن باید بیاموزیم. در شیوه تبلیغ، از فطرت‌های سالم و باورهای صحیح مردم، در راه رشد و هدایت آنان کمک بگیریم و فرجام سخن آن که می‌تواند نشان دهنده سرگرمی به مسایل بی‌ارزش باشد که انسان را از توجه به امور اصلی، مثل حساب و روز قیامت باز می‌دارد.

پی‌نوشت

۱. منظور از بافت موقعیت؛ بافتی است که زبان در آن به کار می‌رود؛ مانند بافت‌های اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی. از نظر دین اسلام، خداوند متعال پیام جاودانه‌اش را به شکل ۱۱۴ بخش کوچک و بزرگ بر پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی کرده است و سوره‌های قرآن به لحاظ تفاوت در زمان و مکان به دو بخش مکی و مدنی تقسیم می‌شود. بر اساس معیار زمانی هر آن‌چه پیش از هجرت نازل شده مکی و هر آن‌چه پس از هجرت نازل شده، مدنی محسوب می‌گردد و بر پایه معیار مکانی هر سوره یا آیه‌ای در مکه نازل شده، مکی، و آیات و سوره‌هایی که در مدینه نازل شده مدنی به شمار می‌یآند و دیگر آیات و سوره‌هایی که در نواحی مجاور مکه نازل شده مکی و آن‌ها که در نواحی مجاور مدینه نازل گشته‌اند، مدنی است.

منابع و مآخذ

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۹ق)، *معجم المقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.
۳. الهی قمشه‌ای (۱۳۷۵)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: بنیاد نشر قرآن.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ق)، *المکاسب*، تحقیق سید محمد کلانتر، بیروت: منشورات مؤسسه التور للمطبوعات.
۵. بروجردی، سید محمدابراهیم (۱۳۶۶)، *تفسیر جامع*، چاپ ششم، تهران: انتشارات صدر.
۶. پریزاد، حسین، فروغ صهبا (۱۳۹۵)، «بازتاب اندیشه اسطوره‌های جادو در غزلیات مولوی»، *کهن نامه ادب پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، صص ۱-۲۴.
۷. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنی عشری*، چاپ اول، تهران: انتشارات میقات.
۸. خلعتبری، سام الدین، مهری رحمانی (۱۳۹۳)، «دیدگاه اسلام و یهود درباره سحر»، *فصلنامه سراج منیر*، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱۰۵-۱۳۲.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۱۲ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دار القلم.
۱۰. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۹)، «سحر و جادو از دیدگاه علم و معرفت»، *فصلنامه معرفت*، شماره ۳۴، صص ۸-۱.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طیبیان، سید حمید (۱۳۹۷)، *فرهنگ لاروس*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۳. طریحی، فخرالدین ابن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
۱۴. طیب، سید عبدالحسن (۱۳۸۷)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۱۵. عامری، محمدعلی، علی باقر طاهری نیا، معصومه شبستری (۱۳۹۵)، «نشانه‌شناسی ادبی شخصیت فرعون در قرآن کریم»، *فصلنامه علمی پژوهشی ادبی-قرآن*، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۳۰-۱۴۹.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۷۹)، *فرهنگ عمیده*، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۱۸. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۶)، «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»، *مجله قرآن و علم*، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۶۰.

۱۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. قمری، بیان، علی باقر طاهری نیا (۱۳۹۶)، «نشانه‌شناسی واژه النار در قرآن کریم»، *فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی*، دوره ۲، شماره ۵، صص ۹-۳۵.
۲۱. محققان، زهرا (۱۳۹۳)، «نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون متنی و بینامتنی»، *فصلنامه قرآن‌شناخت*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۲۷-۴۶.
۲۲. محکی، علی اصغر، راضیه سوزن چی کاشان (۱۳۹۱)، «نشانه‌شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم»، *نشریه مدیریت فرهنگی*، دوره ۶، شماره ۱۵، صص ۱۹-۳۰.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۴. نجفیان، آرزو، حیات عامری (۱۳۸۹)، «نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم»، *فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی*، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۱۷۵-۲۰۴.